

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف\* (Valentin Katasonov)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۹ اپریل ۲۰۱۹

به نام نامی کارگران و زحمتکشان - آفریدگاران تمامی نعمتهای زندگی اجتماعی، روز اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران را پیشاپیش به همه استثماریان، ستمدیدگان و محروم شدگان از زندگی شایسته انسانی تهنیت عرض نموده، امیدوارم شعار "کارگران همه همه کشورها متحد شوید" در آینده هر چه نزدیکتر از حد شعار به عمل بدل شود.

ا. م. شیری

\*\*\*\*\*

## در باره منابع مالی صنعتی کردن اتحاد شوروی

نسخه خارق العاده و کمی آمار

سرآغاز

تأمین منابع مالی صنعتی کردن در اتحاد شوروی که ۹۰ سال قبل آغاز گردید، یکی از مرموزترین جوانب آن است. در نوشته‌های ضد شوروی، منابع مالی آن را معمولاً به ترتیب آتی ذکر می‌کنند: نیروی کار رایگان گولاگ‌ها؛ کار تقریباً رایگان دهقانان جلب شده به کالخوزها (تعاونی‌های دهقانی غیردولتی م.م)؛ تاراج دارائی‌های کلیساها به واسطه بلشویک‌ها؛ طلاهای به ارث مانده از تزار، فروش آثار هنری موزه ارمنی و سایر موزه‌ها به غرب و الی آخر. گاهی اوقات موضوعات عجیب و غریب دیگری نیز مطرح می‌شود. من هم زمانی که اهمیت آمار را درک نمی‌کردم، به چنین نسخی باور داشتم. این، از نوشته‌های فاقد ارقام مؤرخان بهتر بود.

در سال‌های صنعتی کردن تا آغاز جنگ کبیر میهنی (در مجموع ۱۲ سال!) در اتحاد شوروی ۳۶۴ شهر و بیش از ۹ هزار واحد صنعتی احداث، تجهیز و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. همه اینها کاملاً مستند هستند. مؤسسات مختلفی تأسیس گردید. واحدهای صنعتی عظیم مانند کارخانه تراکتورسازی ستالینگراد یا نیروگاه برق آبی دنپر در اوکراین، واحدهای کوچک مانند آسیابها یا مراکز تعمیر تراکتور راه‌اندازی گردیدند. بر اساس اسناد دولت و کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک)، در نخستین برنامه پنج ساله ۱۵۰۰ کارخانه عظیم راه‌اندازی شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

اما، مؤسسه از نقطه نظر سرمایه‌گذاری در تأسیس آن به معنای چیست؟ مضمون سرمایه‌گذاری‌ها به معنای استفاده از عناصر غیرفعال و فعال دارائی ثابت می‌باشد. عناصر غیرفعال عبارت است از ساختمان، تجهیزات و امکانات عمومی و عناصر فعال شامل ماشین‌ها، دستگاه‌ها و ابزارها، به سخن دیگر، وسایل تولید می‌باشد. اگر ایجاد عناصر غیرفعال به واسطه کارگران محلی امکان‌پذیر باشد، در این صورت، این گزینه با عناصر فعال کار نخواهد کرد.

به سبب تولید ناچیز ابزار تولید در خود روسیه تا انقلاب، آنها عمدتاً از آلمان و در درجه بعدی، از انگلستان و امریکا خریداری می‌شدند. و در اواخر سالهای ۱۹۲۰ تقریباً هیچ ابزار تولیدی در داخل تولید نمی‌شد. اجرای طرح صنعتی کردن فقط از راه خرید انبوه ماشین آلات، دستگاه‌ها، تجهیزات و ابزارهای خاص ممکن بود. برای خرید همه اینها ارز لازم بود. من یک برآورد تقریبی از این کردم، که اتحاد شوروی برای احداث بیش از ۹ هزار مؤسسه، به چقدر سرمایه‌گذاری نیاز داشت. هر کس علاقه مندان به "محاسبه آشپزخانه‌ای" می‌توانند به کتاب "اقتصاد ستالین" به قلم خود من رجوع کنند (مسکو، بنیاد تمدن روسی، ۲۰۱۶). نتیجه برآوردهایم عبارت است از: برای اجرای صنعتی کردن به واسطه ماشین آلات و دستگاه‌های وارداتی می‌بایست حداقل ۵ (پنج) میلیارد دالر "روزولتی" امریکا ذخیره ارزی لازم بود (محتوای دالر طلایی بعد از تعیین مجدد نرخ آن در سال ۱۹۳۴ تقریباً یک و نیم برابر کاهش یافت و به نسبت هر اونس طلا = ۳۵ دالر تعیین گردید). این، معادل بیش از ۵۰۰ میلیارد دالر کنونی امریکا بود (در آغاز دهه حاضر). برای احداث هر مؤسسه به طور میانگین به بیش از ۵۰۰ هزار دالر "روزولتی" نیاز داشت.

ذخیره ارزی اتحاد شوروی در آغاز صنعتی چقدر بود؟ بنا به داده‌های بانک دولتی اتحاد شوروی تا روز اول جنوری سال ۱۹۲۸ ارز طلایی کشور فقط کمی بیش از ۳۰۰ میلیون روبل طلا بود (۱ روبل طلا = ۷۷۴،۰ گرم طلای خالص). یعنی، تقریباً معادل ۱۵۰ میلیون دالر "قدیمی" امریکا، یا ۲۶۰ - ۲۷۰ میلیون دالر "روزولتی". این، یک مبلغ خوب به نظر می‌رسد. برای خرید ماشین آلات و تجهیزات ۵۰۰ - ۵۵۰ مؤسسه متوسط کافی بود. اما باید در نظر گرفت، که در همان سال اتحاد شوروی درست ۴۸۵ میلیون روبل طلا بدهی خارجی داشت. آغاز صنعتی کردن در این موقعیت، به ویژه با توجه به این که کشور در محاصره تجاری - اقتصادی قرار داشت، بسیار دشوار بود.

با این حال، صنعتی کردن آغاز گردید. ماشین آلات و تجهیزات خریداری شد. پس، اتحاد شوروی بهای این خریدها را چگونه پرداخت؟ البته، نه با کار ساکنان گولاگ‌ها. ارز به طور عمده از طریق صدور کالاهای اتحاد شوروی به دست می‌آمد. تاریخ‌نگاران اغلب بر صادرات گندم و سایر غلات تأکید می‌کنند، اما آمارها نشان می‌دهد که صادرات عمده، غلات نبود (در سال ۱۹۲۸ آنها فقط ۷ درصد بهای صادرات را تشکیل می‌دادند). تولید غلات در اثر تعاونی کردن کشاورزی در حد قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت، ولی بخش اصلی محصولات کالخورها به مصرف شهرها و ساخت و سازهای برنامه پنج ساله اختصاص می‌یافت. تعاونی کردن نه تنها موجب افزایش کمی محصولات کشاورزی گردید، حتی میلیونها دست کارگری مورد نیاز در عرصه صنعتی کردن را نیز آزاد ساخت.

صدور نفت و محصولات نفتی (۱۶ درصد)، چوب و محصولات چوب (۱۳ درصد) در موقعیت بالاتر از غلات در صادرات کالا قرار داشتند و صادرات پوست و خز مهمترین گروه کالائی را تشکیل می‌داد (۱۷ درصد). در نیمه دوم سالهای ۱۹۲۰ حجم سالانه صدور کالا به ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دالر بالغ گردید.

آری، حجم صادرات از اواخر سالهای ۱۹۲۰ رو به افزایش نهاد، اما این افزایش نه به لحاظ قیمت، بلکه، به لحاظ حجم فیزیکی بود. نوعی در جا زدن اتفاق افتاد. مسأله در این است، که بحران اقتصادی که در غرب شروع شد، به کاهش قیمتها در بازارهای کالا منجر گردید. برخی تحلیل‌گران می‌گویند، که باد در بادبان قایق صنعتی‌سازی اتحاد شوروی دمید. گویی، شانس آوردیم، ما ابزار تولید را به قیمت ارزان خریدیم. این درست است. اما مسأله این است، که کاهش

قیمتها در بازار مواد خام نیز اتفاق افتاد، مخصوصاً، به مراتب زیادتر از بازار محصولات آماده. ما ارز را به قیمت گزاف به دست آوردیم. اگر در بازه زمانی سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۸ میانگین حجم صدور سالانه کالاها از اتحاد شوروی به ۷ میلیون و ۸۶ هزار تن می‌رسید، در سال ۱۹۳۰ تا ۲۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تن و در سال ۱۹۳۱ تا ۲۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تن افزایش یافت. در سالهای بعد تا سال ۱۹۴۰ میانگین حجم صادرات درست به ۱۴ میلیون تن رسید. با این وجود، طبق برآوردهای من، مبالغ حاصل از صادرات فقط نیمی از همه هزینه‌های ارزی صنعتی کردن را تا سالهای پیش از جنگ تأمین می‌کرد.

منبع دیگر - طلا، اما نه آن طلائی که گویا از روسیه تزاری به ارث رسیده بود. تا اواسط سالهای ۱۹۲۰ از این طلاهای ارثی چیزی باقی نماند. آنها به طرق مختلف و تحت عناوین مختلف از کشور خارج گردیده بودند. طلای "کمینترن" (هدیه کمونیست‌های کشورهای خارجی) و "طلای لوکوموتیو"، اخذ شده از خزانه بانک دولتی برای خرید لوکوموتیوها و همه وسایل راه‌آهن در سویدن وجود داشت. کار معامله با "طلای لوکوموتیو" به واسطه تروتسکی انجام گرفت. برای آزمودن این کلاهبرداری، وی مدتی در پست وزارت راه و ترابری مشغول شد. اتحاد شوروی هیچ لوکوموتیوی از سویدن دریافت نکرد و طلاها بدون ردیابی گم و گور شدند (پیش از همه، به بانکهای سویدن، سوئیس و امریکا انتقال یافتند). خوانندگان برای اطلاع از سرنوشت طلای روسیه تزاری می‌توانند به کتاب "طلا در تاریخ روسیه و جهان در اعصار نوزده تا بیست و یکم"، تألیف همین قلم رجوع کنند (مسکو، "مام میهن"، ۲۰۱۷).

در هر حال، از طلا برای صنعتی کردن استفاده شد. اما این، همان طلائی بود که در کشور اندوخته شده بود. در اواخر سالهای ۱۹۲۰ تولید طلا در اتحاد شوروی به سطح سالهای قبل از انقلاب رسید (در سال ۱۹۲۸، ۲۸ تن تولید شد). در خصوص تولید سال ۱۹۳۰ تا کنون اطلاعی در دست نیست، اما بر اساس منابع ثانوی می‌توان قبول کرد، که در اواسط برنامه ده ساله، استخراج طلا به ۱۰۰ تن در سال رسید. و در پایان برنامه ده ساله، برخی‌ها به رقمی در حدود ۲۰۰ تن در سال اشاره می‌کنند. اما همه طلا برای وارد کردن ماشین آلات و تجهیزات صرف نشد؛ کشور برای جنگ آماده می‌شد، وجود ذخیره دولتی ضروری بود و طلا به مثابه منبع ستراتیژیک تلقی می‌گردید. اندوخته طلای اتحاد شوروی تا آغاز جنگ کبیر میهنی حداقل ۲۰۰۰ تن برآورد می‌شود. "کارگاه ارز" که در آنسوی اورال، به ویژه، در شرق دور، دایر شده بود، در سالهای جنگ نیز به کار خود ادامه داد. امریکائی‌ها، در ضمن، به دلیل عملکرد مؤثر "کارگاه ارز" در شرق دور، در راستای اجازه دادن آن به اتحاد شوروی تصمیم مثبتی اتخاذ نمودند.

در پایان موضوع طلا، لازم به ذکر می‌دانم، که شبکه مغازه‌های خرید فلزات گرانبها به عنوان یک منبع دیگر، نقش مهمی در افزایش اندوخته طلای کشور ایفاء کرد (خرید فلزات گرانبها و ارز از شهروندان و خارجیان به ازای فروش کالاهای مصرفی کمیاب). حداکثر میزان طلای خریداری شده از شهروندان در سال ۱۹۳۲، ۲۱ تن و در سال ۱۹۳۳، ۴۵ تن بوده است. واقعیت این است، که پس از بهبودی تأمین خواربار شهرها از اواسط سالهای ۱۹۳۰، خرید فلزات گرانبها از طریق شبکه مغازه‌های خریدار بشدت کاهش یافت.

توجه نامتناسب هر چه بیشتر نسبت به چنین منبع تأمین ارز، مانند فروش آثار هنری ارزشمند موزه ارمیتاژ و سایر موزه‌های کشور مبذول می‌شود. سازمان ویژه اشیای "عتقیه" تشکیل گردید (تحت مدیریت کمیساریای تجارت خارجی)، که تعداد ۲۷۳۰ فقره تصویر از موزه‌های مختلف به آن تحویل گردید. در بنیاد اشیای "عتقیه"، به اعتقاد کارشناسان، آثار هنری ارزشمندی وجود نداشت. فروش‌ها در شرایط بحران اقتصادی جهانی، زمانی که تقاضا برای آنها بسیار کم بود، انجام گرفت. کمتر از نیمی از تصاویر - ۱۲۸۰ قطعه به فروش رفت، بقیه به جای اول خود برگردانده شد. در مجموع، از فروش آثار هنری موزه‌ها در حدود ۲۵ میلیون روبل طلا به دست آمد.

نسخه دیگری برای افراد کم سواد وجود دارد. گویا صنعتی کردن در اتحاد شوروی را شرکت‌های خارجی، پیش از همه، امریکائی، سپس انگلیسی و بخشی فرانسوی و تا چند سال قبل از شروع جنگ، المانی انجام دادند. بعضی‌ها معتقدند، که کسب و کار غربی با سرمایه‌گذاری‌های خود به اتحاد شوروی آمدند. به هیچ وجه چنین نبود! غربی‌ها نه با پول، بلکه، به منظور بدست آوردن پول به کشور ما آمدند. آنها به عنوان تحویل دهندگان ماشین آلات و تجهیزات، طرح مؤسسات را اجراء کردند، به کارهای ساخت و ساز، مانند نصب و راه‌اندازی کارخانه‌ها مشغول شدند، کار با دستگاه‌ها را به اتباع اتحاد شوروی آموزش دادند و الی آخر. یادآوری شرکت امریکائی آلبرت کون<sup>(۱)</sup>، که پیش از همه به بازار اتحاد شوروی وارد شد، مخصوصاً جالب است. این شرکت، ساخت ۵۰۰ کارخانه عظیم و بسیار بزرگ را طراحی و اجراء کرد. مؤسساتی مانند نیروگاه برق آبی دنپر، کارخانه تراکتورسازی ستالینگراد و دیگر کارخانه‌های تراکتورسازی، مجتمع فولاد ماگنیتاگورسک، کارخانه خودروسازی (شهری) نیزه‌گوراد و غیره، چند نمونه از ساخت و سازهای این شرکت بودند. کمپانی‌های گول‌آسای امریکائی مانند شرکت جنرال الکتریک، کمپانی رادیوی امریکا، فورد موتور، هاروستر اینترنشنال، داپونت د نمورز<sup>(۲)</sup> و دیگران طرف تجاری پیشرو در سالهای نخستین برنامه پنج سال بودند. با این وجود، بار دیگر تأکید می‌کنم: آنها نه با پول، بلکه، برای به دست آوردن پول به کشور ما آمدند. بحران اقتصادی جهان را درنور دیده بود و کمپانی‌های غربی ممنوعیت‌های متعدد اعلام شده دولتهای غربی برای همکاری با اتحاد شوروی را آشکارا زیر پا می‌گذاشتند یا دور می‌زدند (محاصره تجاری - اقتصادی کشور ما تا پایان سال ۱۹۲۹ بسیار شدیدتر از تحریم‌های کنونی غرب علیه فدراسیون روسیه بود؛ بحران باعث تضعیف محاصره گردید).

غرب تقریباً هیچ اعتبار بانکی بلند مدت به اتحاد شوروی نداد. فقط پولهای کوتاه مدت، وامهای تجاری می‌داد. بانک صادرات و واردات ایالات متحده امریکا از سال ۱۹۳۴ اعتبار دو سوم خریدهای اتحاد شوروی از بازار امریکا را تأمین کرد، اما این‌ها، باز هم وامهای کوتاه مدت بودند، که صادرکنندگان امریکائی دریافت کنندگان آنها بودند. امریکا علی‌رغم همه دشمنی‌های خود با اتحاد شوروی، مجبور بود به منظور حمایت از کار و کسب گرفتار شده در شرایط سخت، این اعتبارات را تأمین نماید. وام‌های تجاری هم بودند - تعویق پرداختها در قراردادهای تحویل تجهیزات، امور نصب و ساخت و ساز و غیره پیش‌بینی شده بود.

تعبیر دیگری مبنی بر این وجود دارد، که غرب در هر حال برای صنعتی کردن اتحاد شوروی پول زیادی در اختیار ستالین گذاشت. صنعتی کردن اتحاد شوروی، یعنی پروژه پشت صحنه جهانی که زمینه رویارویی نظامی المان و اتحاد شوروی را آماده ساخت. سرمایه انگلوساکسونهای غربی واقعاً هم المان را تأمین مالی کرد. این واقعیت را، به عنوان مثال، نویسنده امریکائی، ا. ساتون<sup>(۳)</sup> در کتاب "وال استریت و به قدرت رسیدن هیتلر" توضیح داده است. در این کتاب و آثار مشابه آن اسناد زیادی دال بر تأیید این واقعیت وجود دارد، که غرب هیتلر را تأمین مالی کرد، او را به قدرت رساند، و سپس میلیاردها دلار و پوند سترلینگ به اقتصاد المان تزریق نمود و برای تهاجم نظامی به اتحاد شوروی او را آماده کرد. در همین حال، حتی یک سند هم دال بر تأیید حمایت غرب از صنعتی کردن در اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی وجود ندارد!

ذکر همه گمانه‌زنی‌های دایر بر منابع تأمین ارزی صنعتی کردن اتحاد شوروی در مقاله نمی‌گنجد. برخی از آنها خیالی، برخی دیگر، شبه‌واقعیت هستند، اما تاکنون هیچ گونه مدرکی دال بر تأیید آنها وجود ندارد (همه آرشیوها باز نشده است). برای آشنائی با این مسائل، علاقه مندان می‌توانند علاوه بر کتاب "اقتصاد ستالین" به کتاب "روسیه و غرب در قرن بیستم. تاریخ رویارویی اقتصادی و همزیستی" (مسکو، بنیاد تمدن روسی، سال ۲۰۱۵)، از تألیفات من رجوع کنند.

ادامه دارد...

<https://www.fondsk.ru/news/2019/04/24/ob-istochnikah-finansirovanija-sovetskoj-industrializacii-48059.html>

\* - والنتین کاتاسانوف (Valentin Katasonov) ، پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیہ، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل ملل متحد، پژوهشگر مسائل پشت صحنہ.

برگردان: ا. م. شیری

۸ اردیبهشت ۱۳۹۸

۱، ۲ و ۳ - عناوین شرکتها و نویسندہ امریکائی بہ الفبای اصلی:

1- [Albert Kun](#)

2- General Electric, Radio Corporation of America, Ford Motor Company, International Harvester, Dupont de Nemours

3- E. Sutton